



۹۵۵۱۱



دانشگاه علامه طباطبایی
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته مشاوره خانواده

عنوان:

اثر بخشی آگاهی دهی در زمینه چرخه زندگی خانوادگی، به روش گروهی، بر
افزایش میزان رضایت زناشویی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران

استاد راهنما:

دکتر احمد اعتمادی

استاد مشاور:

دکتر محمدرضا فلسفی نژاد

استاد داور:

دکتر ابوالفضل کرمی

پژوهشگر:

هادی مزینانی

زمستان ۱۳۸۶

۹۵۵۱۱

اجازت اطلاعات آرنج علی بابا
سینما آرنج

۱۳۸۷ / ۴ / ۳ *

خدایا!

مرا از فقر ترجمه و زبونی تقلید نجات بخش، تا قالب‌های ارثی را بشکنم، تا در برابر «قالب ریزی» غرب بایستم
و تا -همچون این‌ها و آن‌ها- دیگران حرف نزنند و من فقط دهنم را تکان دهم!

«دکتر علی شریعتی»

سپاس و قدردانی

پژوهشگر بر خود واجب می‌داند از تمامی معلمان و اساتیدی که در طول ایام تحصیل از دانش و تجربه‌شان
بهره‌مند شده، تشکر و قدردانی نماید. خصوصاً از جناب آقای دکتر اعتمادی که زحمت راهنمایی این پژوهش را
پذیرفتند و با دقت نظر خاصی در تمام مراحل انجام پژوهش مرا یاری نمودند. همچنین از جناب آقای دکتر فلسفی
نژاد که بنده را مفتخر نمودند و مشاوره این پژوهش را به عهده گرفتند و نیز از جناب آقای دکتر کرمی که زحمت
داوری پایان‌نامه به عهده ایشان قرار گرفت و در برابرتر شدن این نوشتار به من کمک کردند.

تقدیم

به

پدر و مادر زحمت کشم، که هر چند خود طعم تلخ بی‌سوادی را چشیده‌اند اما با فداکاری خویش شهد شیرین آگاهی را به من ارزانی داشتند.

و

تمامی کسانی که در طول زندگی‌ام به من آموختند و به نیابت از آنها،

پیشکش به

پیشوایم علی (ع)، که ایمان را از او آموختم،

الگویم دکتر علی شریعتی، که اندیشیدن را از او آموختم و

استادم دکتر محمود منصور، که روان‌شناسی را از او آموختم.

فهرست مطالب

۱	فصل اول
۲	مقدمه
۶	بیان مساله
۹	ضرورت و اهمیت
۱۱	هدف پژوهش
۱۱	فرضیه‌ها
۱۱	فرضیه ی اصلی
۱۱	فرضیه های فرعی
۱۲	متغیرهای پژوهش
۱۲	تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی
۱۲	تعاریف نظری
۱۳	تعاریف عملیاتی
۱۴	فصل دوم
۱۵	مقدمه
۱۵	خانواده چیست؟
۱۹	اهمیت زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی خانواده
۱۹	اهمیت زیستی خانواده
۲۳	اهمیت روانی خانواده
۲۸	اهمیت اجتماعی خانواده
۳۲	اهمیت معنوی خانواده
۳۵	سیستمی نگری و ضرورت آن
۳۹	رضایت زناشویی و عوامل موثر بر آن
۳۹	رضایت زناشویی
۴۴	عوامل موثر بر رضایت زناشویی
۴۵	عوامل فردی
۴۹	عوامل رابطه‌ای
۵۸	عوامل محیطی
۶۱	چرخه زندگی خانوادگی
۶۲	سرچشمه های ابتدایی دیدگاه تحول خانواده
۶۴	چرخه زندگی خانوادگی و چرخه زندگی فردی
۶۵	مفاهیم نظریه تحولی
۶۸	انتقال‌ها
۶۹	معیارهای انتقال
۷۰	دیدگاه دووال

۷۲	زوج تازه ازدواج کرده
۷۳	زوج‌های دارای فرزندان خردسال
۷۴	خانواده‌های دارای بچه‌های دبستانی
۷۴	خانواده‌های برخوردار از بچه‌های دبستانی
۷۴	خانواده‌های دارای نوجوان
۷۵	خانواده‌هایی که فرزندان شان آنها را ترک می‌کنند
۷۵	والدین میان سال
۷۶	والدین کهن سال
۷۷	مفهوم تکالیف تحولی
۷۸	تکالیف تحولی
۸۱	عوامل فرهنگی و طبقه‌ی اجتماعی
۸۲	پژوهش‌های صورت گرفته در داخل کشور
۸۵	پژوهش‌های صورت گرفته در خارج از کشور
۸۹	فصل سوم
۹۰	مقدمه
۹۱	جامعه آماری
۹۱	گروه نمونه و روش نمونه گیری
۹۲	روش گرد آوری اطلاعات
۹۶	روش اجرای پژوهش
۹۷	روش تجزیه و تحلیل داده‌ها
۹۸	فصل چهارم
۹۹	مقدمه
۹۹	آمار توصیفی
۱۰۳	اطلاعات مربوط به ابزار استفاده شده بر حسب تجزیه و تحلیل نمرات پیش آزمون دو گروه
۱۰۶	بررسی فرضیه‌های پژوهش
۱۱۵	فصل پنجم
۱۱۶	مقدمه
۱۱۷	نتیجه گیری
۱۲۲	بحث
۱۲۳	پیشنهادات کاربردی
۱۲۴	پیشنهادات پژوهشی
۱۲۴	محدودیت‌های پژوهش
۱۲۵	منابع فارسی
۱۲۹	منابع خارجی
۱۳۴	پیوست‌ها

فهرست جدول‌ها

- جدول شماره ۱-۴: آمار توصیفی گروه آزمایش و مقایسه ۱۰۰
- جدول شماره ۲-۴: آمار توصیفی مربوط به هر یک از سوالات برحسب نمرات پیش آزمون ۱۰۴
- جدول شماره ۳-۴: اطلاعات توصیفی مربوط به هر یک از خرده مقیاس‌ها پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ۱۰۵
- جدول شماره ۴-۴: ضریب آلفای کرانباخ هر یک از خرده مقیاس‌ها و نمره کل پرسشنامه ۱۰۵
- جدول شماره ۵-۴: آمار توصیفی مربوط به فرضیه اصلی ۱۰۶
- جدول شماره ۶-۴: نتایج آزمون آماری تحلیل واریانس یک طرفه تفاوت نمرات پیش آزمون و پس آزمون هر دو گروه ۱۰۷
- جدول شماره ۷-۴: آزمون آماری تحلیل واریانس چند متغیری برای سه خرده مقیاس ۱۰۸
- جدول شماره ۸-۴: نتایج بدست آمده از اجرای طرح اندازه‌های تکراری تک عاملی در سه خرده مقیاس ارتباط، حل تعارض و رابطه جنسی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ۱۰۹
- جدول شماره ۹-۴: آمار توصیفی مربوط به فرضیه تاثیر آگاهی‌دهی بر بهبود ارتباط ۱۱۰
- جدول شماره ۱۰-۴: نتایج آزمون آماری تحلیل واریانس یک طرفه تفاوت نمرات پیش آزمون و پس آزمون هر دو گروه در خرده مقیاس ارتباطات ۱۱۱
- جدول شماره ۱۱-۴: آمار توصیفی مربوط به فرضیه تاثیر آگاهی‌دهی بر بهبود روش‌های حل تعارض ۱۱۱
- جدول شماره ۱۲-۴: نتایج آزمون آماری تحلیل واریانس یک طرفه تفاوت نمرات پیش آزمون و پس آزمون هر دو گروه در خرده مقیاس حل تعارض ۱۱۲
- جدول شماره ۱۳-۴: آمار توصیفی مربوط به فرضیه تاثیر متغیر مستقل بر بهبود رضایت جنسی آزمودنی‌ها ۱۱۳
- جدول شماره ۱۴-۴: نتایج آزمون آماری تحلیل واریانس یک طرفه تفاوت نمرات پیش آزمون و پس آزمون هر دو گروه در خرده مقیاس رضایت جنسی ۱۱۴

فهرست نمودارها

- نمودار شماره ۱: تعداد افراد گروه آزمایش و مقایسه ۱۰۰
- نمودار شماره ۲ (اطلاعات مربوط به سن آزمودنی‌ها) ۱۰۱
- نمودار شماره ۳ (اطلاعات مربوط به طول مدت ازدواج، بر حسب ماه) ۱۰۱
- نمودار شماره ۴ (اطلاعات مربوط به والد بودن آزمودنی‌ها) ۱۰۲
- نمودار شماره ۵ (تعداد آزمودنی‌های متولد و شهرستان) ۱۰۳
- نمودار شماره ۶: میانگین تفاوت نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایش در سه خرده مقیاس ۱۰۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف، بررسی تاثیر آگاهی‌دهی در زمینه چرخه زندگی خانوادگی بر افزایش میزان رضایت زناشویی دانشجویان انجام شد. در این پژوهش تعداد ۲۷ دانشجوی متاهل به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده و در دو گروه آزمایش (۱۲ نفر) و مقایسه (۱۵ نفر) قرار داده شدند. به گروه آزمایش، در طول ۱۰ جلسه، مسایل زندگی خانوادگی و زناشویی در چارچوبی مبتنی بر چرخه زندگی خانوادگی، آموزش داده شد، ولی گروه مقایسه از این آموزش بهره‌مند نبود. در این پژوهش از طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه مقایسه و برای اندازه‌گیری میزان رضایت زناشویی آزمودنی‌ها از فرم ۴۷ سوالی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ، استفاده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها واریانس یک طرفه (ANOVA) نشان داد میزان رضایت زناشویی افرادی که از دوره آموزشی بهره‌مند شدند (گروه آزمایش)، نسبت به آزمودنی‌های گروه مقایسه که از دوره آموزشی بهره‌مند نبودند، افزایش قابل توجهی داشته است. و اختلاف بین میانگین‌ها (میانگین تفاضل نمرات پیش آزمون و پس آزمون دو گروه) از لحاظ آماری معنادار بوده است.

پس از بررسی فرضیه اصلی، فرضیه‌های دیگر پژوهش، مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی تاثیر متغیر مستقل بر هر یک از خرده مقیاس‌ها پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ، از آزمون آماری تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون حاکی از آن بود که بین میانگین‌های گروه آزمایش و گروه مقایسه در سه خرده مقیاس ارتباط، حل تعارض و رابطه جنسی، از لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود داشت. و با ۹۹٪ اطمینان ادعا شد که این تفاوت ناشی از شانس نیست.

همچنین برای مطالعه تاثیر متغیر مستقل بر نمرات آزمودنی‌های گروه آزمایش در این سه خرده مقیاس به بررسی معناداری تفاوت میانگین‌های پیش آزمون و پس آزمون این گروه، با استفاده از طرح

اندازه‌های تکراری تک عاملی پرداخته شد. با توجه به نتایج بدست آمده از این تجزیه و تحلیل، فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایش در سه خرده مقیاس مذکور، رد شد.

واژگان کلیدی: چرخه زندگی خانوادگی، رضایت زناشویی، دانشجویان متأهل.

فصل اول

کلیات پژوهش

روانشناسی عبارت است از "بررسی علمی رفتار و فرایندهای ذهنی" (اتکینسون، اتکینسون، اسمیت، بم و نولن هوکسما؛ ترجمه براهنی و همکاران، ۱۳۷۹). از این تعریف می‌توان استدلال کرد که تمرکز روان‌شناسی روی فرد است؛ به عبارتی موضوع روان‌شناسی مطالعه‌ی فرد است. اما به چه دلیل در این پژوهش چرخه زندگی خانوادگی موضوع بررسی بوده است؟

در ابتدا در حوزه روان‌شناسی برای بررسی رفتار انسان، آن را بطور جزء جزء مورد بررسی قرار می‌دادند، اما پس از مدتی این تفکر رشد کرد که کل چیزی بیش از مجموع اجزاء تشکیل دهنده است. همان چیزی که در نظریه گشتالت نیز بر آن تاکید می‌شود؛ یعنی اگر صرفاً اجزاء را کنار هم قرار دهیم، نمی‌توانیم یک نظام را پدید آوریم. سیستم یا نظام ناشی از کنش متقابل عناصر تشکیل دهنده است (برادشاو؛ ترجمه‌ی قرچه داغی، ۱۳۷۲). در خصوص خانواده نیز می‌توان گفت خانواده چیزی بیش از مجموعه‌ی افرادی است که در یک فضای مادی و روانی خاص به سر می‌برند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۰؛ ترجمه‌ی نقشبندی، حسین شاهی پرواتی و ارجمند، ۱۳۸۲). در واقع می‌توان خانواده را همانند یک موجود زنده چند پیکری^۱ در نظر گرفت که هستی‌اش متشکل از اشکال گوناگون حیات است و هر جزء آن وظیفه‌ای خاص خود را بر عهده دارد. اما کل این اجزاء، جاننداری چند پیکری را پدید می‌آورند که به نوبه خود شکل دیگری از حیات به شمار می‌آید (مینوچین و فیشمن، ۱۹۹۶؛ ترجمه‌ی بهاری و سیا، ۱۳۸۱). البته باید در نظر داشت که کل نگری در آراء و نظرات افرادی چون آلفرد آدلر نیز وجود داشته است.

سیستمی‌نگری تفکر دیگری بود که ذهن روان‌شناسان را به خود مشغول ساخت. سیستمی‌نگری بیانگر این مساله است که در بررسی مسایل، مخصوصاً مشکلات افراد، باید به سیستمی که آنها در آن زندگی می‌کنند، توجه کرد. از آنجا که اکثر افراد در سیستم خانواده زندگی می‌کنند، از منظر سیستمی، بررسی خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

¹ colony animal

است. و علیرغم آن که خانواده موضوعی جامعه شناختی است، بررسی خانواده وارد حوزه روان‌شناسی شده است و آشکارترین نمود آن، بوجود آمدن رشته مشاوره خانواده است.

الگوی سیستم خانواده نشان می‌دهد که چگونه هر شخص در زندگی، نقشی را در مجموعه‌ی نظام بازی می‌کند. در سیستمی‌نگری خانواده به عنوان یک سیستم یا نظام در نظر گرفته می‌شود و هر یک از اعضای آن به عنوان نشانه‌ای از آسیب‌شناسی روانی خانواده، در نظر گرفته می‌شوند. در این صورت فردی که زیر عنوان بیمار آشکار^۱ به جلسه درمان می‌آید، در واقع نشانه‌ای از عدم موفقیت خانواده به حساب می‌آید (برادشاو؛ ترجمه‌ی قرچه داغی، ۱۳۷۲). در رویکرد سیستمی، واحد اساسی تحلیل پژوهش‌ها، سیستم خانواده است؛ موضوع، اعضای خانواده است؛ اسنادها، ویژگی‌های روانی اعضای خانواده هستند و رابطه، ارتباط بین اعضا است (وتر، ۱۹۷۸؛ به نقل از موسوی، ۱۳۸۲).

از دیگر تفکرات و اندیشه‌هایی که گستره روان‌شناسی را تحت تاثیر خود قرار داد، می‌توان به اندیشه‌های بافت‌نگری و تحولی‌نگری اشاره کرد. باید اذعان داشت که آشنایی با مسایل خانواده جز با نگاه عمیق به فرهنگ امکان پذیر نیست، حتی ارزیابی کارآمدی و ناکارآمدی سیستم خانواده نیز باید بر اساس بافت فرهنگی‌ای، انجام شود که خانواده به عنوان یک زیر سیستم در آن قرار دارد (موسوی، ۱۳۸۲).

تحولی‌نگری توجه روان‌شناسان را به این موضوع جلب کرد که برای بررسی یک موضوع، مثلاً توانمندی شناختی، به این مساله توجه کنند که فرد در چه سن و مرحله‌ای از رشد قرار دارد و بر اساس توانمندیهای طبیعی کودک یا فردی که در همان سن و مرحله قرار دارد، در مورد بهنجار بودن یا نابهنجار بودن فرد قضاوت کنند. گسترش این تفکر از زمان پیازه شکل گرفت. البته این بدان معنا نیست که قبل از پیازه چنین دیدگاهی وجود نداشته است چون در کارهای کسانی همانند زیگموند فروید، آنا فروید، اریکسون و ... نیز به تغییرات و تفاوت‌های موجود در بین افراد سنین مختلف، اشاره شده است. یکی از پیشگامان اولیه تحولی‌نگری در

¹ identified patient

روانشناسی استتلی هال^۱ است که اظهار می‌دارد این رویکرد باید هم تحولی^۲ باشد و هم مقایسه‌ای^۳ (هریس^۴، ۱۹۶۵). فوراستر^۵ (۱۹۹۹) اظهار می‌دارد که، تمرکز تحولی‌نگری بر تغییراتی است که در طول زندگی انسان رخ می‌دهد. مورس^۶ (به نقل از فوراستر، ۱۹۹۹) بیان می‌کند "تحول آن گونه که بوسیله‌ی روان‌شناسان مورد مطالع قرار می‌گیرد، عبارت است از روشن و مشخص کردن و قابل اندازه‌گیری کردن کمال پدیده‌های علمی. این آناتومی رشد انسان است".

منصور (۱۳۷۸) روش تحولی را یک روش راهبردی می‌داند و معتقد است برای بسیاری از مولفان، روان‌شناسی ژنتیک یا تحولی مجموعه‌ی یافته‌هایی است که از راه کاربرد روش تحولی فراهم آمده است. بررسی و مطالعه انسان بدون در نظر گرفتن تغییرات و زمان، صرفاً در قالب زبان میسر است (مینوچین و فیشمن، ۱۹۹۶؛ ترجمه‌ی بهاری و سیا، ۱۳۸۱). به عبارتی برای مطالعه و بررسی انسان باید به روند تغییرات و تحول او در گذر زمان توجه نمود. تنها از طریق پیگیری تغییرات رفتار در طول زمان، که ابتدا به صورت توصیفی است و سپس زمانی که ممکن باشد از طریق مداخله‌های برنامه‌ریزی شده، می‌توان فرایند تغییر رفتارهای پیچیده را درک کرد (هریس، ۱۹۶۵). تحول به رشد یک فرد در تمامی جنبه‌ها اشاره دارد و به جای اینکه فقط یک پیشرفت خطی ساده باشد که از طریق توالی نسبتاً ثابت یک سری مراحل در جهت یک هدف حرکت کند، به عنوان الگوهای پیچیده‌ی پشت سرهمی تعریف می‌شود که بین افراد تمایز قایل می‌شود (هارتون^۷، ۲۰۰۱). به هر حال رویکرد تحولی در بسیاری از جنبه‌ها، منظر و چارچوبی شده است که از فراز آن می‌توانیم جامعه و فرهنگ مان و در نتیجه تاثیرات تغییر جامعه و فرهنگ‌مان را بطور گسترده‌تر مورد بررسی قرار دهیم (اریکسون^۸، ۱۹۹۸). قدر مسلم آن است که منظور ما از تحول در بحث خانواده، با مفهوم تحول فردی، یکسان نیست. آنچه این دو را مشابه می‌سازد بکارگیری چارچوب تحولی است. از

¹ Stanly Hall

² genetic

³ comparative

⁴ Horris

⁵ Forrester

⁶ Morss

⁷ Horton

⁸ Martin Erikson

آنجایی که خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی متشکل از انسان هاست، لذا این نهاد نیز به تبع عناصر تشکیل دهنده اش در گذر زمان دستخوش تغییر و تحول می‌شود. خانواده "جوهره ای" ثابت و ایستا نیست. بلکه همانند بافت های پیرامونش همواره در حال تغییر و تحول است.

کار^۱ (۲۰۰۰؛ به نقل از موسوی، ۱۳۸۲) معتقد است مفهوم چرخه زندگی خانوادگی چارچوب مفیدی برای مفهوم سازی مشکلات ارجاع شده برای خانواده درمانی است. تحولی‌نگری از احاطه آسیب شناختی^۲ نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بدین معنا که، یکی از راه هایی که می‌توان در باره ی بهنجاری یا نابهنجاری، قضاوت کرد در نظر گرفتن شرایط تحولی فرد یا خانواده است. بررسی "ناموزونی" خطوط تحول می‌تواند به منزله ی معیاری برای ارزشیابی آسیب دیدگی در نظر گرفته شود (دادستان، ۱۳۷۸).

حال باید دید زمانی که قرار است خانواده یا عناصر وابسته به آن، موضوع بررسی یک پژوهش باشند، چگونه می‌توان ایده های مزبور را در این بررسی لحاظ کرد. به نظر می‌رسد چارچوب تحولی یا چرخه زندگی خانوادگی می‌تواند این تفکرات را در خود داشته باشد. چون از طرفی به خانواده توجه می‌کند، پس دیدگاه سیستمی دارد؛ از طرفی دیگر تغییرات خانواده را در گذر زمان بررسی می‌کند، پس تحولی نگر است؛ و چون بر خلاف دیدگاه تحول فردی، خانواده را به عنوان یک کل می‌پذیرد، پس کل نگر نیز هست.

لذا می‌توان گفت، ایده چرخه زندگی خانوادگی می‌تواند دیدگاه خوبی برای بررسی خانواده یا ارائه آموزش در زمینه‌ی مسایل زناشویی و خانوادگی باشد. در پژوهش حاضر که به منظور بررسی اثر بخشی آگاهی‌دهی در زمینه چرخه زندگی خانوادگی بر افزایش میزان رضایت زناشویی، انجام شده است، چرخه زندگی خانوادگی به عنوان چارچوبی جهت ارائه مطالب و اطلاعات مربوط به مسایل زندگی زناشویی و خانوادگی مورد استفاده قرار گرفت. تا علاوه بر آن که از محدودیت های پژوهش‌های پیشین، مانند تمایز قایل نشدن بین شرایط خانواده‌هایی که در مراحل مختلف چرخه زندگی خانوادگی قرار دارند، مبرا باشد، از مزایای فوق‌الذکر این چارچوب استفاده نماید.

¹ Carr

² pathological

بیان مساله

شروع یک زندگی زناشویی در اغلب موارد با شادی و رضایت همراه است، در حالی که تداوم این رضایت به عوامل زیادی بستگی دارد؛ آگاه شدن از این عوامل می‌تواند ما را نسبت به عوامل خطر آفرین، هشیار سازد و تلاش‌ها را در جهت حفظ و افزایش رضایت زناشویی و پایداری خانواده سازماندهی کند (جولایی، ۱۳۸۳). با توجه به اینکه چارچوب چرخه زندگی خانوادگی به تغییرات خانواده در گذر زمان توجه دارد و برای هر مرحله تکالیف و وظایف خاصی در نظر می‌گیرد، به نظر می‌رسد بررسی این مساله که آیا آگاهی‌دهی در زمینه چرخه زندگی خانوادگی بر افزایش میزان رضایت زناشویی، موثر است؟، می‌تواند مفید باشد.

نظریه تحول خانواده روی تغییراتی تمرکز می‌کند که خانواده‌ها در طول زمان در ساختار و روابط‌شان، تجربه می‌کنند؛ خانواده‌ها در طول زمان، انتقال‌ها و مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذارند که باعث بوجود آمدن روابط جدید در بین اعضا می‌شود به بیانی دیگر همانطور که خانواده‌ها در مسیر چرخه زندگی خانوادگی^۱ پیش می‌روند، روابط درونی‌شان تغییر می‌کند (کلاین و وایت^۲، ۱۹۹۶؛ مک کارتی^۳، ۲۰۰۶). کارتر و مک گلدریک^۴ (۲۰۰۴) چرخه زندگی خانوادگی را این گونه تعریف می‌کنند: روند رشد و تحول حیات خانواده که با گذر زمان شکل می‌گیرد. نظریه پردازان مختلف، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از این روند رشد و تحول داشته‌اند. اولین دووال^۵ که برای نخستین بار این چهارچوب را مطرح کرد، بیان داشت که خانواده از هشت مرحله عبور می‌کند و هر مرحله دارای تکالیف تحولی^۶ خاص خود می‌باشد (میدوری و براون^۷، ۱۹۹۵) که خانواده باید آنها را انجام دهد. تکالیف تحولی خانواده شبیه بحران‌های روان‌شناختی اریکسون^۸ است (بیگنر^۹، ۱۹۹۴). مفهوم تکالیف تحولی خانواده به تغییر

¹ family Life Cycle

² Klein & White

³ Mc Carthy

⁴ Carter & Mc Goldrick

⁵ Evelyn Duvall

⁶ developmental tasks

⁷ Midori & Brown

⁸ Erickson

⁹ Bigner

انتظارات هنجاری اشاره می کند که از خانواده به عنوان یک کل در مناسبات کنشی، انتظار می رود برای اعضا و جامعه اش انجام دهد (لیوانت^۱، ۱۹۸۴).

دووال (۱۹۸۸) معتقد است نظریه تحول خانواده، به خاطر موارد زیر برای مطالعات مربوط به خانواده، یک چارچوب منحصر به فرد است:

الف. به این خاطر که مفهوم چرخه زندگی خانوادگی، پایه ای برای بررسی خانواده ها در طول زمان فراهم می آورد.

ب. به خاطر تاکیدش بر تکالیف تحولی فردی اعضای خانواده و تکالیف تحولی خانواده ها در مراحل مختلف تحول شان.

ج. به خاطر این ویژگی ذاتی اش که به تشخیص استرس های خانواده در دوره های اساسی، می پردازد.

د. به خاطر تاکیدش در مورد فراهم آوردن خدمات، حمایت ها و برنامه های آموزشی، برای خانواده ها، بر اساس چرخه زندگی خانوادگی آنها.

آلدوز^۲ (۱۹۹۰) نیز معتقد است چارچوب تحولی در مطالعه و بررسی خانواده مهم است زیرا به تغییرات خانواده در طول تاریخچه خانواده توجه می کند. این چارچوب به خاطر تفاوت های موجود در سن اولین ازدواج، تداوم بچه آوری، تعداد بچه ها و طلاق، در بررسی تغییراتی که خانواده در مراحل تحول، پشت سر می گذارد، مورد استفاده قرار گرفته است. دیدگاه تحولی همچنین به روشن شدن «جو درونی»^۳ هر مرحله خاص از زندگی خانوادگی با توجه به نیازهای مصرفی یا کیفیت رابطه، کمک کرده است (آلدوز، ۱۹۹۰).

تبریزی (۱۳۸۳) با مراجعه به آلن کار (۲۰۰۱) بیان می کند درمان از منظر یک رویکرد یکپارچه و بسط یافته نسبت به زندگی خانوادگی، عبارت است از رسیدگی به مشکلات خانواده در سرتاسر مراحل چرخه زندگی خانوادگی؛ و

¹ Levant

² Aldous

³ inner climate

چرخه زندگی خانوادگی را چارچوب مفیدی برای مفهوم سازی مشکلات خانواده می‌داند و این گونه نتیجه گیری می‌کند که "هدف خانواده درمانگری، حل مشکلات خانواده در سرتاسر چرخه زندگی است".

ادراکی که افراد از میزان رضایت زناشویی خود دارند نتیجه ی مقایسه ای است که بین انتظارات و آرزوها ایشان در زمینه ی نیازهای مختلف فیزیکی، شناختی، هیجانی، اجتماعی و معنوی از همسر خویش، با ادراکی که آنها از تحقق این انتظارات در واقعیت دارند، می‌کنند (کرکمن^۱، ۱۹۸۸). به عبارتی دیگر میزان رضایت افراد از رابطه، میزان فاصله ای است که بین انتظارات آنها از رابطه و آنچه در عمل محقق شده است، وجود دارد. هر چه میزان این فاصله کمتر باشد فرد بیشتر احساس رضایتمندی می‌کند. برای کاهش این فاصله دو کار می‌توان انجام داد، یکی اینکه میزان محقق شدن انتظارات را آنچنان افزایش دهیم که تمام خواسته های آنها برآورده گردد؛ دیگر اینکه به تعدیل خواسته های افراد بر اساس آنچه در واقعیت امکان محقق شدن وجود دارد، پردازیم.

سیلیمن نیز (۲۰۰۱؛ به نقل از تبریزی، ۱۳۸۳) معتقد است قرار دادن انتظارات واقعی به عنوان توقعات زندگی، باعث پایداری ازدواج می‌شود. از آنجایی که در مواقع تضاد بین ایده آل ها و آرمان ها با واقعیت ها، نارضایتی از ازدواج و زندگی بروز خواهد کرد (گلادینگ؛ ترجمه بهاری، بهرامی، سیف و تبریزی، ۱۳۸۲)؛ به نظر می‌رسد آگاهی یافتن افراد از چگونگی واقعیت احتمالی زندگی خانوادگی، می‌تواند در میزان رضایت آنها از ازدواج و زندگی مشترک تاثیر گذار باشد. بر همین اساس پژوهش حاضر سعی کرده است از طریق آگاهی دادن در زمینه چرخه زندگی خانوادگی، که توصیفی است از آنچه در واقعیت برای خانواده ها رخ می‌دهد، به تعدیل خواسته ها و انتظارات افراد پردازد و نیز از سویی دیگر با آگاهی دادن به افراد در زمینه نحوه ی مواجهه با تکالیف تحولی، احتمال برآورده شدن انتظارات را نیز بالا ببرد.

با توجه به این که در اکثر قریب به اتفاق پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه عوامل موثر بر رضایت زناشویی یا برنامه های آموزشی که در این زمینه فراهم آمده است، یک یا چند عامل محدود مورد بررسی یا آموزش قرار گرفته

¹ Kerkmann

است، همچنین از آنجا که چرخه زندگی خانوادگی مسیری را که خانواده احتمالاً آن را طی خواهد کرد، ترسیم می کند، و برای هر مرحله از زندگی تکالیف مشخصی را در نظر می گیرد؛ و با توجه به اینکه آگاهی یافتن افراد از واقعیت احتمالی می تواند روی انتظارات آنها تاثیر گذار باشد. سوالی که این پژوهش به دنبال پاسخ آن بود این بود که، آیا آگاهی دهی در چارچوبی مبتنی بر چرخه زندگی خانوادگی، موجب افزایش رضایت زناشویی دانشجویان می شود؟

از آنجا که پژوهشی در زمینه چرخه زندگی خانوادگی در داخل کشور انجام نشده است و پژوهش حاضر اولین پژوهش در این حوزه است، به نظر مناسب می رسد که جامعه و نمونه پژوهش شامل کسانی باشد که در مرحله اول چرخه زندگی خانوادگی قرار دارند. چون غالب دانشجویان متأهل کسانی هستند که مدت زیادی از ازدواج آنها نمی گذرد، و نیز با توجه به وجود برخی امکانات که فراهم ساختن آنها در بیرون از محیط آموزشی مشکل بود (همانند وجود مکانی برای برگزاری دوره آموزشی)، دانشجویان دانشگاه های شهر تهران به عنوان جامعه آماری این پژوهش در گرفته شدند.

اگر چه پژوهش حاضر بر اساس چهار چوب تحول خانواده و بطور خاص آنچه دووال در زمینه چرخه زندگی خانوادگی مطرح کرده است، می باشد، اما با توجه به اینکه از برنامه ی آموزشی مبتنی بر چرخه زندگی خانوادگی جهت افزایش میزان رضایت زناشویی آزمودنی ها استفاده کرده است، دارای جنبه عملی و کاربردی نیز می باشد.

ضرورت و اهمیت

درصد بسیار زیادی از افراد در بزرگسالی ازدواج می کنند و وارد روابط زناشویی می شوند. با انتظارات سطح بالایی که افراد از رابطه زناشویی و همسر خود دارند، احتمالاً جای تعجب نیست که خیلی از افراد دریابند که روابطشان، انتظارات آنها را برآورده نمی سازد. تقریباً تمام زوجها در ابتدای ازدواج شان سطح بالایی از رضایت زناشویی را گزارش می کنند. اما متأسفانه رضایت از رابطه در طی زمان و در میان خیلی از زوجها، کاهش می یابد.

معتبرترین شاخص آشفستگی زندگی زناشویی، طلاق است، که متأسفانه در سال های اخیر افزایش قابل توجهی داشته است (جراره، ۱۳۸۶).

یکی از عوامل مهم در زندگی زناشویی، داشتن رضایت زناشویی است؛ شاید بتوان ادعا نمود که هدف تمام حرفه ها و رشته های مرتبط با خانواده، افزایش میزان رضایت زناشویی است؛ علیرغم اینکه در زمینه ی عوامل موثر بر رضایت زناشویی و به کارگیری روشهای مختلف برای افزایش آن، پژوهش هایی صورت گرفته است؛ در زمینه ی چرخه زندگی خانوادگی، پژوهشی در داخل انجام نشده است. پژوهش های صورت گرفته در باره ی رضایت زناشویی نیز غالباً به بررسی تاثیر تعداد محدودی، از عواملی که می تواند این مقوله را تحت تاثیر قرار دهد، پرداخته اند. برای اینکه چارچوبی در دست داشته باشیم که بتوانیم در قالب آن آموزشی ارائه کنیم که جامعیت داشته باشد باید بینیم آیا نظریه و چارچوبی وجود دارد که وضع بهنجار خانواده به عنوان یک کل را با توجه تغییرات آن در طول زندگی، وصف کند. از آن جایی که ایده چرخه زندگی خانوادگی، اولاً به توصیف شرایط حاکم بر خانواده در گذر زمان می پردازد و ثانیاً برخلاف نظریه های تحول فردی، روی خانواده به عنوان یک کل و یک سیستم، تمرکز می کند؛ می تواند به عنوان چارچوبی مناسب برای ارائه ی آموزش در زمینه عوامل موثر بر رضایت زناشویی، تلقی گردد.

بر همین اساس و با توجه به علاقه ی پژوهشگر و نیز عدم وجود پژوهشی که اثر بخشی آگاهی دهی در چرخه زندگی خانوادگی بر افزایش میزان رضایت زناشویی را بررسی کند، این پژوهش در نظر داشت به بررسی این موضوع بپردازد که آیا از طریق آگاهی دهی در زمینه ی چرخه زندگی خانوادگی می توان میزان رضایت زناشویی افراد را افزایش داد؟

نتایج این پژوهش، می تواند راهی برای افزایش رضایتمندی زوجها از زندگی زناشویی، فراهم آورد. تا از این طریق رضایت کلی اجتماع نیز افزایش یابد. از سویی دیگر این نتایج می تواند مبنایی برای برنامه ی آموزشی افرادی که در حیطه ی مسائل مربوط به خانواده فعالیت می کنند فراهم آورد. همچنین پژوهشگران دیگر نیز می توانند نتایج این

پژوهش را مبنای کار خود قرار دهند. لذا می توان بیان داشت، زوجین، اجتماع، افرادی که کارهای درمانی و آموزشی انجام می دهند و پژوهشگران می توانند از نتایج این پژوهش بهره مند گردند.

هدف پژوهش

هدف اصلی پژوهش پاسخ دادن به این سوال بود که آیا می توان از طریق آگاهی دادن به افراد در زمینه ی چرخه زندگی خانوادگی میزان رضایت زناشویی آنها را افزایش داد.

هدف کاربردی این پژوهش این بود که، در صورت تایید شدن فرضیه ی اصلی پژوهش، با استفاده از برنامه های آموزشی در زمینه ی چرخه زندگی خانوادگی، میزان رضایت زناشویی خانواده ها افزایش داده شود.

فرضیه ها

فرضیه ی اصلی

آگاهی دهی در زمینه چرخه زندگی خانوادگی، به روش گروهی، بر افزایش میزان رضایت زناشویی دانشجویان موثر است.

فرضیه های فرعی

۱. آگاهی دهی در زمینه ی چرخه زندگی خانوادگی، به روش گروهی، در بهبود ارتباط بین آزمودنی ها و همسرانشان، موثر است.
۲. آگاهی دهی در زمینه ی چرخه زندگی خانوادگی، به روش گروهی، در بهبود روش های حل تعارض آزمودنی ها موثر است.
۳. آگاهی دهی در زمینه ی چرخه زندگی خانوادگی، به روش گروهی، بر بهبود رضایت جنسی آزمودنی ها، موثر است.